

- ۱..... فروعات مقام اول:
- ۱..... فرع ششم:
- ۲..... فرع هفتم:
- ۲..... احتمال اول:
- ۲..... احتمال دوم:
- ۲..... احتمال سوم:
- ۲..... احتمال چهارم:
- ۲..... نظر استاد:

## فروعات مقام اول:

### فرع ششم:

این است که اینجا بیع خصوصیت ندارد. شامل هر معامله ای می شود. یعنی این ارتکازات عقلایی مساعد با القاء خصوصیت از بیع و تجارت به انواع معاملات حتی غیر معامله آنجایی که هدیه می کند. بیع باشد، اجاره باشد، عاریه باشد، تبرع باشد، هر چه که موجب در اختیار قرار گرفتن آنها بشود، این اشکال دارد.

### فرع هفتم:

این است که آیا این حکم تکلیفی که در کفار مطلق بود و در غیر کفار تفصیل در آن قائل شدیم، آمده روی انشاء عقد؟ یا روی تسلیم مبیع یا سلاح؟ تفاوت اینها هم این است که اگر خود انشاء حرام باشد، اصلاً خود این صیغه خواندن مشکل دارد و حرام است. و اگر فقط تسلیم حرام باشد، دیگر انشاء حرام نیست.

### احتمال اول:

این است که بیاییم ظاهر همان عنوان بیع و تجارت را بگیریم. حالا آن تعلیلهای و حکمتها و اینها را نه، ظاهری بگیریم که اذا لم يحملوا سلاحا ظاهر مثلاً آن روایت ابی بکر حضرمی بگیریم. و روایاتی بگیریم که کلمه بیع در آن آمده، ابیع السیوف مثلاً در روایت پنجم، این یک احتمال است و ظاهر بیع همان انشاء صیغه است.

### احتمال دوم:

این است که بگوییم انشاء حرام است، ولی مشروط به یک شرط متأخر است، انشائی که متعقب بشود به تسلیم و تسلیم.

### احتمال سوم:

این است بگوییم که آن چه که حرام است در واقع همان حمل السلاح است. آن چه که حرام است تسلیم و تسلیم است. و لذا مانعی ندارد اگر تسلیم و تسلیمی نباشد، یعنی بیع در حالت معافاتی نباشد، یا اینکه اگر به صیغه است و او هم این امر را انجام نمی دهد در حال تهیؤحرب و امثال این، این هم احتمال سوم است.

### احتمال چهارم:

این است که دو حرام اینجا است، یکی انشاء خودش حرام است. یکی تسلیم المبیع السلاح لأعداء المسلمین، که اهل باطل هستند حرام است.

### نظر استاد:

لا یبعد اگر بخواهیم جمع بین این تعابیر در روایات کنیم، مقصود همان احتمال دوم باشد. از یک طرف، عنوان حرمت روی بیع آمده که یک امر انشائی است. از طرف دیگر بعضی روایات دارد که حمل السلاح الی المشرکین، یا یستعینون به عدونا یستعین بهذا السلاح عدونا، و در بعضی جاها هم دارد که بیع می کنند و ظاهر بیع هم یعنی همان معاهده، مقابله و امثال اینها، اینها را اگر بگیریم ظاهرش این است که آن چه که خود انشاء صیغه و معاهده

حرام است. ولی این حرمت مشروط به این است که آن تسلیم و تسلیم انجام بشود. این شاید ظاهر کلمات آقاییون و اینها با این سازگارتر باشد و با مجموعه روایات هم این سازگارتر باشد. یعنی این خود معامله دارد می گوید حرام است. در روایات دیگر دارد که بایع السلاح للمشرکین این جزء ده طائفه ای است که لعن شده، منتهی ارتکازات ما و قرائن لیبی و قرائن لفظی، مجتمعا می گوید که این به تنهایی نمی تواند باشد. و لذا در صورتی حرمت این مستقر می شود که دنبالش آن باشد و الا اگر دنبالش آن نباشد این حرمتی نیست این بعید نیست چون موضوع در کلمات فقهی و بعضی از روایات بیع است. اما در عین حال احتمال سوم را هم می شود پذیرفت. و آن این است بیاییم بگوییم نه آن چه که روایت می گوید، در روایات علی بن جعفر حمل السلاح است. می گوید که حمل السلاح حرام است. و حمل در واقع همان عملیات خارجی است. تسلیم کردن به آنها است. این هم بعید نیست. بین این دو تا تردیدی داریم، البته نتیجه یکی است. ما احتمال اول و چهارم را قبول نداریم که دو حرمت در اینجا باشد. و ظاهر روایات این است که یک حرمت را دارد بیان می کند.

بنابراین ظاهر کلمات احتمال دوم است، ولی شاید اقوی همان احتمال سوم باشد.